

واکاوی نقش اسلام در رویکرد اندونزی به مسئله فلسطین؛ دلالت‌هایی برای ایران

مهدی ذوالفقاری^۱ و حمید احمدی نژاد^۲

۱- دانشیار گروه مطالعات آسیایی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
۲- استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

✉ نویسنده مسئول: ایمیل: zolfaghari@atu.ac.ir

چکیده

اسلام در بافت‌های فرهنگی و سیاسی مختلف، به شکل‌های متفاوتی در جهت‌دهی سیاست خارجی نسبت به مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی موثر است. رویکرد کشورهای مسلمان به مسئله فلسطین بهترین مدعای پژوهشی در خصوص این گزاره است. به‌عنوان مثال درحالی که در جمهوری اسلامی ایران، حمایت از فلسطین در سطح حاکمیتی و ایدئولوژیک نهادینه شده است، در اندونزی این حمایت محصول تعامل میان فشارهای جامعه مدنی، هویت ضداستعماری دولت و محاسبات واقع‌گرایانه در نظام بین‌الملل است. با توجه به این امر، سوال این مقاله آن است که: اسلام چگونه نگرش و موضع پایدار اندونزی در حمایت از فلسطین را توضیح می‌دهد؟ پژوهش ضمن تبیین ابعاد این سوال به‌عنوان محور اساسی مقاله، در نهایت با مقایسه‌ی رویکرد اندونزی و ایران، توصیه‌هایی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ارائه می‌دهد. یافته‌های پژوهش در چارچوب رویکرد کیفی و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و داده‌های کتابخانه‌ای، نشان می‌دهد که در سطح مدنی نفوذ جریان‌های اسلامی و در سطح حاکمیتی نیاز به بقای استعمارستیزی به‌عنوان نماد اندونزی باعث ثابت رویکردی در جهت حفظ و حمایت از مسأله فلسطین به‌عنوان یک اولویت در سیاست خارجی این کشور شده است.

واژگان کلیدی: اسلام، اسرائیل، فلسطین، سیاست خارجی اندونزی، رئالیسم نئوکلاسیک

اطلاعات انتشار

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۲/۱۶

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۹/۱۳

تاریخ انتشار:

۱۴۰۴/۱۲/۲۹

Analyzing the Role of Islam in Indonesia's Approach to the Palestine Issue; Implications for Iran

Mehdi Zolfaghari^{1✉} and Hamid Ahmadinejad²

1- Associate Professor of International Relations in the Division Asian Studies, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

2- Assistant Professor, Department of Political Science and International Relations, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran.

✉ Corresponding Author. Email: zolfaghari@atu.ac.ir

Abstract

Islam, within diverse cultural and political contexts, manifests in varied forms in shaping foreign policy towards regional and international issues. The approach of Muslim-majority countries to the Palestine issue serves as the most compelling research testament to this proposition. For instance, while in the Islamic Republic of Iran, support for Palestine is institutionalized at the governmental and ideological levels, in Indonesia, this support is the product of an interplay between pressures from civil society, the state's anti-colonial identity, and realist calculations within the international system. Accordingly, the central question of this article is: How does Islam explain Indonesia's persistent perspective and stance in supporting Palestine? While elucidating the dimensions of this question as the article's core focus, the authors ultimately, by comparing the approaches of Indonesia and Iran, offer recommendations for the foreign policy of the Islamic Republic. The research findings, framed within a qualitative approach and utilizing a descriptive-analytical method with library data, indicate that at the civil level, the influence of Islamic movements, and at the governmental level, the need to sustain anti-colonialism as a national symbol, have resulted in a consistent approach to preserving and supporting the Palestine issue as a priority in Indonesia's foreign policy.

Keywords: Islam, Israel, Palestine, Indonesian Foreign Policy, Neoclassical Realism

Received: 2025/05/06

Accepted: 2025/12/04

Published: 2026/03/20

گردد.

مقدمه

شیخ‌الاسلامی و عطازاده (۱۴۰۲) در مقاله «امکان‌سنجی پیوستن اندونزی و مالزی به توافق‌نامه‌های ابراهیم و عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی» با تحلیل امکان پیوستن اندونزی و مالزی به قرارداد ابراهیم، نشان داده‌اند به دلیل احساسات شدید ضداسرائیلی مردم این دو کشور، پیوستن اندونز آنها به این پیمان ابراهیم و عادی‌سازی روابط با اسرائیل محتمل نیست.

عباسیان (۱۴۰۰) در یک گزارش راهبردی «اندونزی، اسرائیل؛ گذشته، حال و چشم‌انداز پیش‌رو» با طرح سوال از امکان به رسمیت شناختن اسرائیل از سوی اندونزی استدلال می‌کند که ترجیح اندونزی ادامه‌ی سیاست یک‌پام و دوهوا در قبال اسرائیل است تا بدین گونه ضمن تامین منافع اقتصادی، رضایت جامعه‌ی داخلی خود را نیز فراهم آورد.

حسینی‌جیلی، ستوده آرانی و خادمی (۱۳۹۹) در مقاله «هم‌چوشانی مولفه‌های هویت‌ساز بر هویت‌بخشی دینی کنشگران اجتماعی اندونزی» نشان می‌دهند اندونزی با قرائت اعتدالی از اسلام، توانسته با استفاده از تمامی منابع اسلامی هویت دینی مسلمانان اندونزی را تثبیت کرده است.

آیون و همکاران (۲۰۲۴) در مقاله «اقدامات دیپلماتیک اندونزی در مناقشه اسرائیل و فلسطین» نشان می‌دهند که اندونزی از طریق دیپلماسی پارلمانی و بین‌المللی فعالانه برای حمایت از حقوق فلسطینیان اقدام کرده و خواستار تحقق حق تعیین سرنوشت برای مردم فلسطین، آتش‌بس فوری و پایان دادن به استانداردهای دوگانه شده است.

بختیار، زراق و زکریا (۲۰۲۱) در مقاله «مسلمانان مترقی اندونزی و گفتمان صلح اسرائیل و فلسطین: اندیشه‌های سوکارنو، عبدالرحمن وحید و احمد سیافی معاریف» با بررسی گفتمان این سه رهبر نشان می‌دهند علیرغم موضع کلی طرفداری از فلسطین، سوکارنو و وحید در بیان مواضع خود درباره‌ی مساله فلسطین عمل‌گرا و معاریف آرمان‌گراتر بود و به سیاست ضدصهیونیستی اهمیت می‌داد.

جویانندی، حسین و تجویب‌دین‌نگرات (۲۰۲۱) در مقاله «نقش اندونزی در مسائل امنیتی فلسطین و اسرائیل» به تحلیل نقش این کشور در مناقشه فلسطین می‌پردازند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اندونزی به عنوان کشوری با بزرگ‌ترین جمعیت مسلمان جهان، همواره از استقلال فلسطین حمایت کرده و می‌تواند با بسیج کشورهای مسلمان، برای ایجاد امنیت و تضمین موجودیت فلسطین در صحنه بین‌المللی نقش مؤثری ایفا کند.

سونگباتومیس (۲۰۲۱) در مقاله «نقش اسلام در سیاست خارجی اندونزی: مطالعه موردی سوسیلو بامبانگ یوده‌ویونو» استدلال کرده که دولت یوده‌ویونو با ترویج اسلام میانه‌رو به عنوان یک دارایی بین‌المللی، تلاش کرد تا در موضوعات مرتبط با جهان اسلام، از جمله مناقشه فلسطین و اسرائیل، نقش صلح‌ساز و میانجی‌ایفا کند. در مورد فلسطین، در این دوره

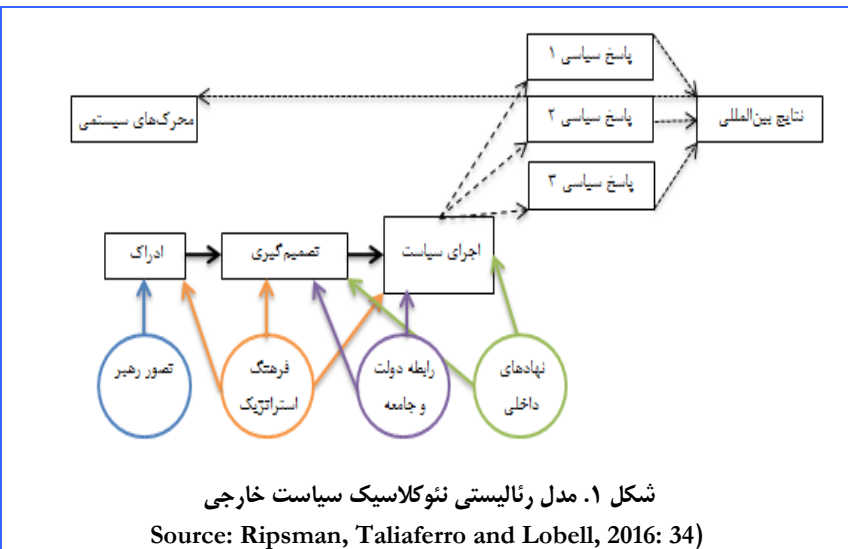
اندونزی به عنوان یکی از بنیانگذاران جنبش عدم‌تعهد (Non-Aligned Movement)، بزرگ‌ترین کشور مسلمان و از مهمترین اعضای سازمان همکاری اسلامی (Organization of Islamic Cooperation) در طول تاریخ از حامیان جدی استقلال و آزادی فلسطین بوده است. در این راه مقامات اندونزی از هر فرصتی برای ابراز این سیاست خود و انتقاد به اسرائیل استفاده کرده‌اند. به عنوان مثال در بازی‌های آسیایی ۱۹۶۲ دولت سوکارنو (Soekarno) از صدور روایت برای هیأت اسرائیلی خودداری کرد و یا در سال ۲۰۱۷ از برخی اعضای سازمان همکاری اسلامی خواست تا برای حمایت از فلسطین در روابط با اسرائیل تجدیدنظر کنند. در واقع حتی با وجود تغییرات ظریف در دولت‌های اندونزی، موقعیت مساله فلسطین همواره در سیاست خارجی این کشور یکسان بوده است. وقوع دوره‌ی اصلاحات در این کشور که زمینه‌ی ظهور آزادانه‌تر عقاید را فراهم آورد باعث شد تا گروه‌های مسلمان فرصت بیشتری برای حمایت از فلسطین و تاثیرگذاری بر دولت‌های اندونزی در این راه به دست آورند. از این زمان به بعد این گروه‌ها نه تنها از طریق سازمان‌های اسلامی بلکه از مجرای احزاب سیاسی نیز به هدایت این ارزش و هنجار خود پرداختند. از طرفی استعمارستیزی حاکمیت اندونزی براساس قانون اساسی چارچوب و قالبی به عنوان نماد سمبلیک برای این کشور شکل داده که خروج موضوع فلسطین از سیاست‌های رسمی در تضاد با این عنصر هویت‌ساز است و لذا دولت‌های در قدرت این کشور نمی‌توانند به سادگی زمینه‌ی تسهیل روابط سیاسی و دیپلماتیک با اسرائیل و عدم توجه به رهایی فلسطین از استعمار را در دستور کار قرار دهند. می‌توان گفت که اگرچه ایجاد روابط با اسرائیل می‌تواند زمینه‌ی ایفای فعال‌تر اندونزی در عرصه‌ی بین‌الملل به ویژه میان کشورهای غربی و اسلامی را فراهم آورد، اما حمایت از استقلال فلسطین همواره مانعی بزرگ بر سر راه اندونزی در این مسیر باز کردن درهای دیپلماتیک با اسرائیل بوده است. ضمن آن که این تصور که ایجاد روابط اندونزی با اسرائیل زمینه‌ی حل منازعه این رژیم با فلسطین و یا ایجاد سازش را تسهیل می‌کند بسیار ساده‌لوحانه می‌نماید. به این ترتیب باید به نقش و نفوذ اسلام بر سیاست خارجی اندونزی در مساله فلسطین اذعان کرد. این امر باعث شد تا نویسندگان این سوال را مورد بررسی قرار دهند که؛ اسلام چگونه بر نگرش و رویکرد اندونزی نسبت به مساله فلسطین تاثیرگذار بوده است؟ مقاله ضمن بررسی این سوال تلاش دارد تا با تأمل و مقایسه‌ی اندونزی با جمهوری اسلامی ایران، به عنوان دو الگوی خاص، یکی با محرک‌های جامعه‌محور و هویتی-کاربردی و دیگری با بنیان‌های ایدئولوژیک-اخلاقی؛ افق تحلیل این پژوهش را گسترده‌تر کرده و امکان استنتاج راهبردهایی برای تعامل و همکاری مؤثرتر در جهان اسلام را فراهم آورد.

پیشینه‌شناسی تحقیق

به‌منظور تبیین جایگاه و وجه نوآوری پژوهش حاضر، ابتدا برخی از مطالعات پیشین مرور می‌شود تا ابعاد تمایز و نوآوری این تحقیق مشخص

شده است. اما با این وجود آنها استدلال می‌کنند که فشارهای سیستمی را باید از طریق متغیرهای مداخله‌گر در سطح واحد نیز تفسیر کرد و به همین دلیل نئوکلاسیک خوانده می‌شوند. (Rose, 1998: 145) به این ترتیب متفکران رئالیسم نئوکلاسیک معتقدند دولت‌ها تلاش می‌کنند تا نظام بین‌المللی را بر اساس ترجیحات خود از طریق افزایش قدرت خود تغییر دهند و این بدان معناست که این تئوری در سیاست خارجی به ساختار ذهنی در دولت‌ها توجه دارد (Dehghani Firoozabadi and Zare Ashkezari, 2016: 96). به‌واقع رئالیسم نئوکلاسیک به عنوان مکتب نوظهور نظریه‌های سیاست خارجی، به طور خاص، به دنبال توضیح این است که ویژگی‌های داخلی دولت‌ها مانند نفوذ بازیگران داخلی اجتماعی و گروه‌های ذینفع، میزان استقلال دولت از جامعه و سطح انسجام اجتماعی چرا، چگونه و تحت چه شرایطی بین ارزیابی رهبران از تهدیدها و فرصت‌های بین‌المللی و سیاست‌های اعمالی ایفای نقش می‌کنند (Lobell, Ripsman and Taliaferro, 2009: 4). خلاصه آن که رویکرد رئالیستی نئوکلاسیک مستلزم این است که هنجارها به‌عنوان ابژه‌هایی با نیرو، یعنی عناصر قدرت در نظر گرفته شوند. البته از آنجا که قدرت قابلیت‌های مادی تا حد زیادی ذاتی و ثابت است، اما قدرت یک هنجار و ایده هم وابسته و هم متغیر است، بنابراین، ایده‌ها و ارزش‌ها ممکن است از طریق افراد خاصی که آنها را در اختیار دارند یا از طریق نهادها یا از طریق فرهنگ دولت ایفای نقش نمایند (Kitchen, 2010: 136). البته باید تاکید کرد که رئالیسم نئوکلاسیک از لیبرالیسم و سازه‌انگاری متمایز می‌شود، حتی با وجود آن که متغیرهایی را که عموماً با پارادایم‌های اخیر مرتبط هستند، ادغام می‌کند (Rathbun, 2008: 297). شکل (۱) نشانگر ابعاد مختلف این تئوری است.

هدف، علت و چگونگی استفاده از تئوری نئوکلاسیک رئالیسم به عنوان راهبر تحلیلی این پژوهش آن است که در بُعد تاکید بر نقش و جایگاه دولت‌ها در نظام بین‌الملل و به اصطلاح نقش سطح کلان، اندونزی بر مبنای این عناصر که در واقع ترجمه‌ی همان فشار سیستمی است اقدام به ایجاد روابطی در سطوح اقتصادی، گردشگری و امنیتی با اسرائیل کرده (اصل رئالیستی تامین منافع و اهداف) که البته با توجه به حیظه‌ی موضوعی مقاله



همسویی بین خواست دولت و نهادهای اسلامی جامعه مشهود بود. ایده اولیه‌ی این پژوهش از یک پایان نامه در دانشگاه نیویورک گرفته شد، اما آن چه که نویسندگان را به نگارش مقاله مصمّم کرد فقر منابع فارسی در این حوزه بود، به طوری که جستجوی کلیدواژه‌هایی مانند «اندونزی و فلسطین»، «اندونزی و اسرائیل»، «اسلام و سیاست خارجی اندونزی» در پایگاه‌های علمی مانند نورمگز، مگ ایران و پایگاه علمی جهاد دانشگاهی جزء چند تحلیل و گزارش هیچ داده‌ای را پیش‌روی نویسندگان قرار نداد. حتی در پایگاه ایراندک نیز این واژه‌ها دربردارنده‌ی منابع علمی به عنوان پایان نامه نبود (فقر علمی این حوزه به اندازه‌ای بود که حتی در «ویکیپدیا» به عنوان در دسترس‌ترین، ساده‌ترین و غیرقابل اتکاءترین پایگاه روابط «اندونزی و فلسطین» فاقد داده و روابط این کشور با اسرائیل نیز به نسبت سایر رده‌های مشابه بسیار ناچیز بود). این موارد گویای واضح و آشکاری در نوآوری رویکردی این مقاله و نیاز به مطالعه‌ی آن در ایران به عنوان رهبر جنبش ضداسرائیلی و حامی جدی فلسطین برای شناخت نگرش اندونزی در این مسأله است.

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نظر رویکرد کیفی و روش توصیفی-تحلیلی است. شیوه‌ی جمع‌آوری اطلاعات در آن کتابخانه‌ای-اسنادی (اعم از منابع مکتوب و الکترونیکی) می‌باشد که شامل جمع‌آوری، دسته‌بندی، پالایش، فیش‌برداری و در نهایت ثبت و تحلیل اطلاعات مورد استفاده است.

چارچوب تئوریک؛ رئالیسم نئوکلاسیک (Neoclassical Realism)

تصمیم‌گیری سیاست خارجی اولین گام در راه شناخت پیچیدگی‌ها و کنش‌های بین‌المللی است. این فرآیند عبارت است از اقدامات دولت‌ها و رهبران آنها که بر روی رفتارشان در سطح بین‌المللی تاثیر می‌گذارد (Mintz and Derouen, 2010: 3-4). در تبیین این فرآیند رئالیسم نئوکلاسیک است. علت انتخاب این تئوری برای تحلیل آن است که ضمن اتکاء به عناصر واقع‌گرایانه، توجه به سطح تحلیل

داخلی را نیز برای درک و تبیین سیاست خارجی لازم می‌داند. تئوری رئالیسم نئوکلاسیک نه به دلیل توانایی آن در توضیح پدیده‌های مختلف، بلکه به دلیل قدرت آن در تأکید بر سطوح مختلف تحلیل در روابط بین‌الملل استفاده می‌شود. بر همین اساس هم مایکل فولن (از محققین ارشد روابط بین‌الملل مرکز مطالعات امنیتی زوریخ و استاد دانشگاه بروکسل) آن را چارچوب نظری محکمی می‌داند که بین سه شکاف سطحی (داخلی-بین‌المللی)، شناختی (ماده-ایده‌ها) و زمانی (حال-آینده) پل می‌زند (Foulon, 2015: 635). است تأکید این تئوری بر توانمندی‌های مادی قدرت باعث رئالیستی بودن اندیشمندان آن

نادیده‌گرفتن امر دینی و معنوی دارد (Petito and Hatzopoulos, 2003: 22). در برابر این دیدگاه نوین، باید بر اندیشه‌ی متفکران کلاسیک غرب از کنت و مارکس تا وبر که همگی عصر روشنگری را جایگزین دین در اداره‌ی جهان می‌دانستند (Fox and Sandler, 2004: 10)، خط بطلان کشید. به واقع، اکنون روشن شده که دین نه تنها ناپدید نشده، بلکه نقشی کلیدی در شکل‌دهی به ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی دولت‌ها ایفا می‌کند. برای تبیین چگونگی این تأثیر، می‌توان به الگوی وارنر و واکر رجوع کرد که در شکل (۲) نشان داده شده است. در این مدل، تأثیر دین بر کارگزاران سیاست خارجی می‌تواند از طریق سه مسیر صورت پذیرد:

(الف) فرهنگ جامعه: ارزش‌ها و هنجارهای دینی نهادینه شده در بافت فرهنگی جامعه.

(ب) گروه‌ها: گروه‌های ذی‌نفوذ و شبکه‌های اجتماعی که بر اساس انگاره‌های دینی فعال می‌شوند.

(پ) نهادها: سازمان‌های رسمی یا غیررسمی که بر پایه‌ی دین شکل گرفته‌اند.

در مورد اندونزی، هر سه‌ی این مسیرها فعال هستند: فرهنگ اسلامی جامعه، گروه‌های اسلامی چون نهضت‌العلماء و محمدیه، و نهادهای حکومتی که خود را با این ارزش‌ها هم‌سو می‌کنند. قدرت این فرهنگ و موقعیت نهادها و گروه‌های اسلامی در آن، به‌عنوان گونه‌ای از ایدئولوژی و جهت‌گیری سیاست خارجی آن، به‌ویژه در مسائلی که مستقیماً با مفاهیم دینی گره خورده‌اند، را عمیقاً تحت تأثیر قرار دهد. در این ارتباط مسئله‌ی فلسطین برای اندونزی، به‌دلیل پیوندش با جهان اسلام و گفتمان استعمارستیزی، نمونه‌ای بارز است که در آن اسلام از طریق مسیرهای سه‌گانه‌ی فوق به عاملی تعیین‌کننده در تبیین رویکرد این کشور تبدیل شده است.

۲. ماهیت سیاست خارجی اندونزی

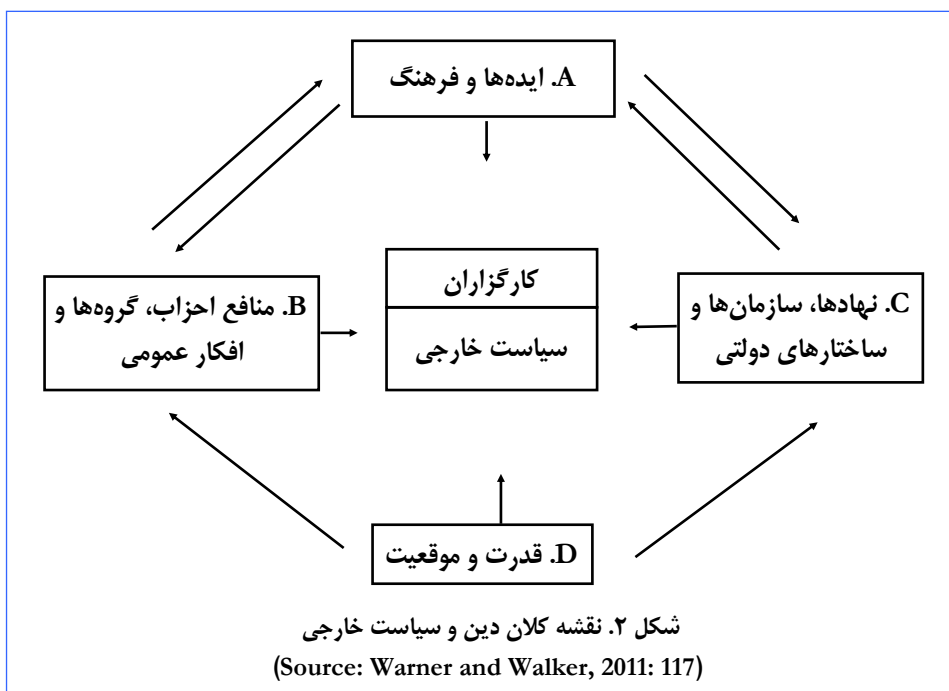
جمهوری اندونزی، کشوری در جنوب شرقی آسیا و بین اقیانوس‌های هند و آرام است. اندونزی با بیش از ۱۷ هزار جزیره بزرگترین دولت مجمع‌الجزایری جهان و چهاردهمین کشور بزرگ از نظر مساحت است. این کشور همچنین از نظر جمعیتی چهارمین کشور جهان و پرجمعیت‌ترین کشور مسلمان است. نمودار شماره ۱ آخرین میزان جمعیت (۲۸۵ میلیون نفر) و پیش‌بینی رشد آن و نمودار شماره ۲ نیز درصد ادیان مختلف در اندونزی را نشان می‌دهد:

در چارچوب بررسی قرار نمی‌گیرد. اما متاثر از وجه دوم رئالیسم نئوکلاسیک که هدف و تمرکز این پژوهش و تفسیر تأثیر سطوح داخلی بر رویکرد و نگرش دولت‌هاست، اندونزی نتوانسته روابط سیاسی با اسرائیل برقرار کند و به موازات آن تحت تأثیر همین سطح مساله فلسطین همچنان در مدار سیاست خارجی رهبران این کشور قرار دارد.

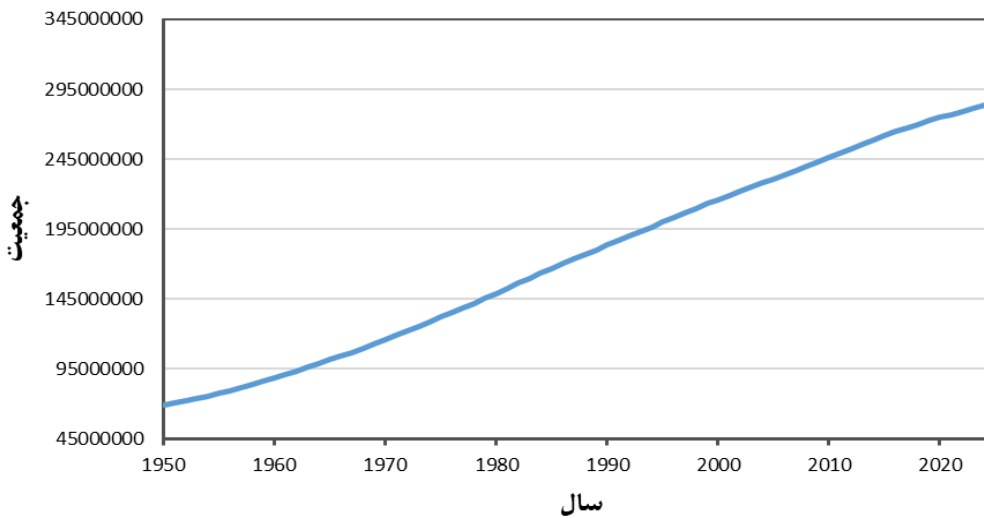
بحث و بررسی

۱. دین و سیاست خارجی

دین، همانند نژاد، قومیت و جنسیت، برای دهه‌ها در مطالعه‌ی سیاست و رویکرد دولت‌ها کم‌اهمیت تلقی می‌شد. حتی مکتب انگلیسی به عنوان نظریه‌ای که بیش از دیگران امکان توجه به دین را داشت برای چندین دهه این موضوع را نادیده گرفت. این جدایی دین و سیاست عموماً به معاهده‌ی استقلال‌یابی ۱۶۴۸ نسبت داده می‌شد که نقطه‌ی آغاز نظام دولت-ملت مدرن دانسته می‌شود (Sandal and James, 2010: 4). با این حال، در دهه‌های اخیر، نقش و تأثیر دین به‌صورت فزاینده‌ای مورد توجه قرار گرفته است. از این رو، اگرچه سیاست مبتنی بر قدرت کماکان حاکم است، اما امروزه شواهد فراوانی حاکی از تأثیر دین و مذهب بر عملکرد دولت‌ها و به‌ویژه بر سیاست خارجی آن‌ها وجود دارد (محمودی‌کیا، ۱۳۹۶: ۱۳۱). در این راستا، اوا بلین به درستی در مطالعه‌ی خود درباره‌ی رابطه‌ی دین و سیاست خارجی پیشنهاد می‌دهد که به جای تکرار این برداشت رایج که «دین در سیاست خارجی اهمیت دارد»، بهتر است به این پرسش چالش‌برانگیزتر بپردازیم که «دین چه زمانی و چگونه اهمیت می‌یابد؟» (Ozkan, 2021: 4) «از منظری دیگر، برخی نویسندگان غربی بر این باورند که فرهنگ مدرنیته و نهادهای جامعه‌ی بین‌الملل با احیای جهانی دین و تکثرگرایی فرهنگی به چالش کشیده شده‌اند. این احیا بخشی از بحران بزرگ‌تر مدرنیته تلقی می‌شود، بحرانی که ریشه در ناراضی عمیق از تقلیل جهان به عقلانیت ابزاری و



جمعیت اندونزی (۱۹۵۰ تا ۲۰۲۵)
سال ۲۰۲۵: ۲۸۵ میلیون نفر

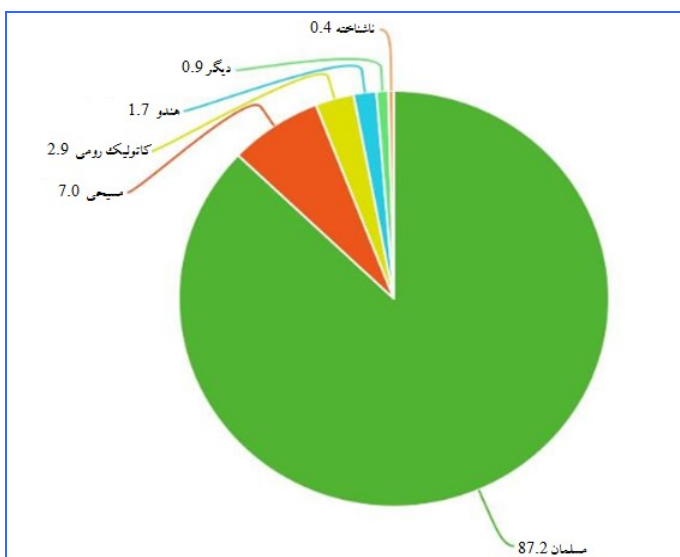


نمودار ۱. جمعیت اندونزی تا سال ۲۰۲۵ و پیش‌بینی رشد آن
(Source: Worldometers, 2025)

اگرچه بیش از ۸۷ درصد از جمعیت این کشور مسلمان هستند اما، طبق قانون اساسی اندونزی کشوری چند دینی است و رسماً شش دین اسلام، پروتستان، کاتولیک، بودیسم، هندوئیسم و کنفوسیوس را به رسمیت می‌شناسد. به هرحال نکته اساسی آن است که جمعیت زیاد و منابع استراتژیک غنی، دلایلی قوی برای برتری اندونزی در امور منطقه‌ای و جهانی است. بر همین اساس هم مبتنی بر این منابع و نیز چشم‌انداز روشن در اختیار دولت‌مردان اندونزی، رهبری به یکی از ویژگی‌های برجسته این کشور در دوران پسااستعماری در منطقه تبدیل شده است. (Tri Andika, 2016: 2).

کشورها، سازمان‌های بین‌المللی و سایر موضوعات حقوق بین‌الملل در چارچوب مواجهه با مشکلات بین‌المللی برای دستیابی به اهداف ملی. (Rafikasari, 2020: 657) «در مجموع می‌توان گفت با وجود برخی تغییرات تاکتیکی مانند «سیاست جهانی یا Ecumenical دوران عبدالرحمن وحید (Abdurrahman Wahid) و یا سیاست «هزاران دوست Thousands of friends دوره سوسیلو بامبانگ یودهویونو Susilo Bambang Yudhoyono (Anwar, 2014) که ناشی از فشارهای سیستمی و نیز گرایش رهبران اندونزی به ایفای نقش فعال‌تر بود، اما روندهای تاریخی همواره باعث شده تا علی‌رغم این تغییرات به ظاهر عمده در اولویت‌ها و سبک‌ها، سیاست خارجی این کشور همچنان بر دو محور مستقل و فعال بچرخد. این امر به ویژه در مسائل سنتی و غیرامنیتی بیشتر

از منظر تاریخی اصول زیربنایی سیاست خارجی اندونزی برای اولین بار توسط محمد هاتا (Mohammad Hatta) از کسانی بود که به همراه سوکارنو برای استقلال اندونزی از استعمار هلند جنگیدند و بعدها به مقام نخست وزیری اندونزی رسید) در ۲ سپتامبر ۱۹۴۸ در جاوه تشریح شد. او با طرح این سوال که؛ «آیا ما در مبارزه برای آزادی مردم و کشورمان، تنها باید بین روسیه و آمریکا یکی را انتخاب کنیم؟ و آیا موضع دیگری وجود ندارد که بتوانیم در پیگیری آرمان‌های خود اتخاذ کنیم؟، می‌گوید دولت بر این عقیده است که بهترین سیاست برای اتخاذ سیاستی است که ما را هدف یک درگیری بین‌المللی قرار ندهد. برعکس، ما باید سوژه‌ای باقی بمانیم که حق تصمیم‌گیری در مورد سرنوشت خود و جنگیدن برای هدف خویش را که استقلال کل اندونزی است، حفظ کند (International Business Publications, 2012: 139). این بیانیه محمد هاتا ماهیت اصول سیاست خارجی اندونزی به عنوان سیاست مستقل و فعال را شکل می‌دهد. این سیاست مستقل است زیرا اندونزی در کنار قدرت‌های جهانی قرار نمی‌گیرد و از سویی فعال می‌باشد بدین معنا که به دنبال مشارکت فعال در حل‌وفصل مسائل بین‌المللی است. اساساً، این سیاستی است که برای خدمت به منافع ملی طراحی شده و همزمان به اندونزی اجازه می‌دهد تا با کشورهای دیگر برای از بین بردن استعمار و امپریالیسم در همه اشکال و مظاهر آنها به خاطر صلح و عدالت اجتماعی همکاری کند. در ادامه‌ی این روند تاریخی تعریف سیاست خارجی اندونزی در بند ۲ ماده ۱ قانون شماره ۳۷ سال ۱۹۹۹ در مورد روابط خارجی ذکر نیز قابل توجه است. این بند توضیح می‌دهد که سیاست خارجی اندونزی عبارت است از «سیاست‌ها، نگرش‌ها و اقدامات دولت جمهوری اندونزی در تعامل با سایر



نمودار ۲. درصد جمعیت ادیان اندونزی
(Source: Sites, 2022: qtd. in The CIA World Factbook)

(Marie Murphy, 2020: 3).

البته نقش آفرینی اسلام در سیاست خارجی اندونزی طی دوره‌های مختلف یکسان نبوده است. بدین معنا که در برخی ادوار رهبران سیاست خارجی این کشور تاکید بیشتری بر عنصر اسلامی در رویکردهای خود داشتند. به عنوان مثال اسلام در دوره‌ی یودهویونو (۲۰۱۴-۲۰۰۴) جایگاه خاصی در اجرای سیاست خارجی اندونزی به دست آورد، به طوری که یودهویونو در بسیاری از مجامع بین‌المللی، بارها از تاثیر عامل اسلامی در سیاست خارجی اندونزی صحبت به میان می‌آورد. یکی از نمونه‌های آن در آمریکا بود که او بیان کرد: «در جهانی که توسط تضاد تمدن‌ها تسخیر شده است، اندونزی نمونه درخشانی است که در آن دموکراسی، اسلام و مدرنیته با هم رشد می‌کنند.» او همچنین در یازدهمین اجلاس سران سازمان همکاری اسلامی، تاکید کرد که «اسلام و دموکراسی نه تنها با هم سازگارند، بلکه در کنار هم شکوفا می‌شوند و در این مسیر یکی از قویترین حامیان دموکراسی ما احزاب سیاسی با پلتفرم‌های اسلامی هستند.» در مجموع با وجود فراز و فرودهای حضور اسلام بی‌شک این دین یک سرمایه برای اندونزی بوده است. چرا که مسلمانان این کشور با چیزی حدود ۲۲۰ میلیون نفر از کل جمعیت مسلمانان عرب در خاورمیانه، شمال آفریقا و آسیای جنوبی و مرکزی بیشتر است و این حاکی از آن است که یک حکومت دموکراتیک در جهان اسلام وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد (Songbatumis, 2021: 7).

خلاصه آن که الگوی اسلام اندونزیایی، که به‌ویژه تحت تأثیر دو سازمان بزرگ «نهضت‌العلماء» و «محمدیه» شکل گرفته، نمونه‌ای بارز از اسلام میانه‌رو است. این الگو با ویژگی‌هایی همچون تأکید بر ملی‌گرایی و همزیستی مسالمت‌آمیز، پذیرش تکثرگرایی، نقش محوری علمای میانه‌رو، و تفسیری فرهنگی از شریعت شناخته می‌شود. این ویژگی‌ها نه تنها با ایدئولوژی رسمی «پانچاشیلا» و هویت ضداستعماری کشور سازگار است (حکیم‌پور، ۱۴۰۱)، بلکه به اندونزی امکان می‌دهد تا هم‌زمان هم بر هویت اسلامی خود پایبند بماند و هم بر اصول دموکراسی و حقوق بشر تأکید کند. این رویکرد چندوجهی، که از اسلام میانه‌رو به‌عنوان پلی بین الزامات هویتی داخلی و اقتضائات عملگراییانه بین‌المللی بهره می‌برد، جایگاه دیپلماتیک اندونزی را هم در جهان اسلام و هم در عرصه نظام بین‌المللی تقویت کرده است.

یافته‌های پژوهش

۱. اندونزی و نگرش به اسرائیل؛ ثبات رویکردی

مانند بسیاری از کشورهای دارای اکثریت مسلمان و بسیاری از کشورهای خاورمیانه، اندونزی هرگز روابط دیپلماتیک با اسرائیل نداشته است. گفتمان سوکارنو به‌عنوان رهبر جنبش استقلال طلبی اندونزی و اولین رئیس‌جمهور این کشور با محکوم کردن هر نوع امپریالیسم، استعمار و ستم غیرانسانی که توسط اسرائیل بر فلسطینیان تحمیل

به چشم می‌آید. به عبارت بهتر اگرچه رقابت‌های اکونومیک و ژئوپلیتیکی عصر حاضر میان قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای به اجبار رویکرد اندونزی را در جهت تغییر متاثر می‌سازد اما سیاست خارجی این کشور همچنان زائیده و منعکس کننده‌ی همان دیدگاه‌های ابتدایی یعنی عدم حضور در بلوک‌های قدرت و فعال بودن است و این همان تاثیر سطح داخلی مبتنی بر هنجارهای مدنظر رئالیسم نئوکلاسیک در رویکرد سیاست خارجی کشورها می‌باشد.

۳. نقش و جایگاه اسلام در سیاست خارجی اندونزی

قبل از آن که استعمار هلند بتواند حکومت خود را بر مجمع‌الجزایر وسیعی به نام هند شرقی (East Indies) تحمیل کند، منطقه‌ای که در حال حاضر به نام اندونزی شناخته می‌شود متشکل از چندین پادشاهی بود. درون این پادشاهی‌ها، از سلطان‌نشین آچه (Aceh) در غرب تا سلطان‌نشین ترنات (Ternate) و تیدور (Tidore) در شرق، اسلام به عنوان یک نظام اعتقادی غالب بر نخبگان حاکم و رعایای آنها تثبیت شده بود. در این پادشاهی‌ها، اسلام نقش مهمی در مشروعیت و اقتدار سیاسی حاکمان داشت. در برخی مناطق، از جمله در سلطان‌نشین آچه در سوماترا (Sumatra) و بانتن (Banten) در جاوه غربی، اسلام حتی به عنوان چارچوب رسمی عمل می‌کرد که به وسیله آن ساختار اجتماعی و سیاسی شکل می‌گرفت. با این حال، ماهیت اسلام در اندونزی، به‌ویژه از نظر درجه کثرت‌گرایی تفاوت قابل توجهی با آن در خاورمیانه داشت و همین کثرت‌گرایی نقش مهمی در روند شکل‌گیری هویت دولت این کشور ایفا کرد. (Sukma, 2003: 9) به واقع ویژگی‌های اسلام در اندونزی باعث شد تا با وجود مسلمان بودن نزدیک به ۹۰ درصد اندونزیایی‌ها، دین رسمی این کشور اسلام نباشد. بر همین اساس هم در سال ۱۹۴۵ برای ایجاد مصالحه بین طرفداران ایجاد دولت اسلامی و مخالفان آن، پانچاشیلا (Pancasila) که نه یک ایدئولوژی کاملاً سکولار و نه یک ایدئولوژی مذهبی بود به عنوان ایدئولوژی رسمی پذیرفته شد (Anwar, 2010: 43). اما این به معنای عدم تاثیرگذاری اسلام در سیاست خارجی اندونزی و رویکردهای آن در نظام بین‌الملل نیست. به خصوص که اندونزی می‌داند اگر بتواند این ایده را ترویج دهد که اسلام، مدرنیته و دموکراسی می‌توانند هم‌زیستی کنند، یک محیط خارجی حمایتی برای خود ایجاد خواهد کرد. علاوه بر این اسلام به دو صورت دیگر خود را در سیاست خارجی اندونزی نشان می‌دهد. اول، ایجاد تمایل به داشتن روابط نزدیک‌تر با جهان گسترده‌ی اسلام، که این تمایل تا حدی با هدف افزایش روابط اقتصادی با کشورهای ثروتمند خلیج فارس و نیز کسب مشروعیت در میان جمعیت دیندار جهان است. دوم، این که اسلام نسبت به درگیری‌هایی که در آن مسلمانان قربانی می‌شوند خود را منعکس می‌کند، زیرا اسلام همبستگی میان مسلمانان را وقتی که برخی از آنها قربانی می‌شوند تجویز می‌کند. به طور سنتی، این انگیزه بیشتر در سیاست خارجی اندونزی در قبال خاورمیانه، به ویژه در حمایت از استقلال فلسطین، مخالفت با حمله سال ۲۰۰۱ به افغانستان، مخالفت با جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ و محکومیت استفاده‌ی اسرائیل از زور علیه لبنان و نوار غزه خود را نشان داده است

گزارش‌هایی درباره عادی‌سازی روابط اندونزی و اسرائیل منتشر شده، اما تحلیل مواضع رؤسای جمهور مختلف اندونزی، از سوکارنو (رد کامل روابط با اسرائیل)، سوهارتو (روابط غیررسمی محدود با اسرائیل)، وحید (پیشنهاد ناکام عادی‌سازی روابط) و جوکو ویدودو (حمایت قاطع از فلسطین) تا سوبیان‌تو (شرط برای ایجاد روابط با اسرائیل) در سال ۲۰۲۵، نشان می‌دهد که موضع اندونزی نسبت به اسرائیل همواره تحت تأثیر برداشت‌های دینی از عدالت، استقلال و دفاع از مسلمانان مظلوم بوده است. از سوی دیگر، گروه‌های اسلامی این کشور نیز، هرچند در روش‌های خود متفاوت‌اند، اما هر دو در گفتمان عمومی با اتکاء بر قرآن و حمایت از مظلوم، بر لزوم حمایت از فلسطین و مخالفت با عادی‌سازی روابط با اسرائیل تأکید دارند. این گفتمان دینی، فضای سیاسی اندونزی را به‌گونه‌ای شکل داده که هر دولتی حتی اگر از منظر عملگرایی سیاسی تمایل به تعامل محدود با اسرائیل داشته باشد، ناچار است ملاحظات اسلامی جامعه را در تصمیم‌گیری لحاظ کند. بنابراین، اسلام نه به عنوان یک عامل انتزاعی، بلکه به عنوان یک «منبع گفتمانی» قدرتمند و «محدودیت‌ساز عملی» زمینه‌ی ثبات رویکردی اندونزی در قبال اسرائیل را به وجود آورده است.

۲. اندونزی و مساله فلسطین

مقدمه قانون اساسی اندونزی صریحاً حمایت همیشگی مردم اندونزی از «استقلال همه ملت‌ها» و مبارزه علیه استعمار را بیان می‌کند. در حالی که چهره سیاست جهانی از پایان جنگ جهانی دوم تا به امروز به شدت تغییر کرده، اما این مقدمه از زمان تأسیس در سال ۱۹۴۵ تاکنون بدون تغییر باقی مانده است. براساس این اصل، اندونزی به شدت حمایت داخلی مردم و جایگاه بین‌المللی خود را، عمدتاً در جهان اسلام، اندازه‌گیری خواهد کرد و بدیهی است که این دو عامل نه تنها از پیشبرد هر نوع روابط رسمی با اسرائیل حمایت نمی‌کند بلکه مسأله فلسطین را همواره در کانون توجه سیاست خارجی آن قرار می‌دهد. (Ryvantya, 2022) متاثر از اسلام به عنوان عنصر داخلی هویت‌بخش، دو دلیل که در سطح داخلی باعث حفظ موضوع فلسطین در سیاست خارجی اندونزی شده را می‌توان این گونه برشمرد:

۲-۱. نقش و نفوذ گروه‌های اسلام‌گرای اندونزی در حفظ

اولویت مساله فلسطین

همان‌طور که بیان شد قانون اساسی اندونزی همه‌ی اشکال استعمار را نفی و طرد کرده است. از سوی دیگر از زمان سوکارنو تا بعد از او رهبران اندونزی همواره در مجامع مختلف حمایت خود از آرمان فلسطین را ابراز داشته‌اند. بر همین اساس با اتکاء به این تفسیر قانون اساسی که فلسطینیان تحت استعمار اسرائیل قرار گرفته‌اند و با الهام از ایده‌های سوکارنو، اکثر مردم اندونزی حمایت از فلسطین را موضعی بحث‌برانگیز نمی‌دانند. به واقع تحت تأثیر آموزه‌های ضد استعماری و نفوذ گروه‌های اسلامی، باید گفت گفتمان سیاسی داخلی اندونزی تا حد زیادی در راستای احساسات حمایت از فلسطین و دشمنی با اسرائیل قرار گرفته است. این اجماع داخلی در جریان مبارزات انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۴ اندونزی خود را نشان داد که طی آن همه

شده بود تعریف شد. این موضع سوکارنو با دولت‌های بعدی اندونزی سازگار شد و سیاست خارجی آن در قبال اسرائیل را به شدت تحت تأثیر قرار داد. به این ترتیب این موضع اولیه‌ی طرفداری از فلسطین، به افکار عمومی جهت داد و به نوبه خود به بخشی جدایی‌ناپذیر از دیدگاه اندونزی درباره رابطه با اسرائیل تبدیل شد (Bachtiar, Razak and Zakaria, 2021: 3). سوهارتو (Suharto)، عبدالرحمن وحید و احمد سیافی معاریف (Ahmad Syafii Maarif) مهمترین سیاستمدارانی بودند که در موضوع رابطه با اسرائیل نقش اصلی ایفاء کرده‌اند. سوهارتو به عنوان دومین رئیس جمهور اندونزی شروع به آغاز روابط نظامی و اطلاعاتی با اسرائیل کرد و در ۱۹۹۳ نیز اسحاق رابین نخست وزیر اسرائیل در جاکارتا در اقامتگاه شخصی سوهارتو با او ملاقات کرد. پس از سوهارتو، عبدالرحمن وحید رهبر سابق نهضت العلماء (Nahdlatul Ulama)، بزرگترین سازمان مسلمانان اندونزی و رئیس جمهور دوران اصلاحات بود. او نه تنها از حامیان حق تعیین سرنوشت فلسطینیان بود، بلکه به عنوان پیشاهنگی برای صلح فلسطین و اسرائیل نیز عمل کرد. وحید مانند سوکارنو با آرمان فلسطین همدل بود اما در گفتمان او تفاوت‌های چشمگیری وجود داشت. بر همین اساس هم وی ضمن راه‌حل دو دولت فلسطین و اسرائیل پیشنهاد ایجاد روابط دو جانبه اندونزی-اسرائیل را داد که با اعتراض شدید و رد آن از سوی اندونزیایی‌ها مواجه شد (Bachtiar, Razak and Zakaria, 2021: 7). پس از وحید، احمد سیافی همانند اسلاف خود ضمن محکومیت ایدئولوژی صهیونیسم ایده تشکیل دو دولت را رد کرد. پس از او جوکو ویدودو (Joko Widodo) همچنان به این رویکرد پیشینیان خود پایبند بود و در حال حاضر نیز پرابوو سوبیان‌تو (Prabowo Subianto) با وجود رویکرد عمل‌گرایانه برحق تعیین سرنوشت فلسطینیان به عنوان یک شرط اساسی تغییر رویکرد نسبت به اسرائیل تأکید دارد.

می‌توان گفت با وجود تفاوت‌های گفتمانی در دوره‌های مختلف و نیز تفاوت ماهیتی اسلام در اندونزی با اسلام خاورمیانه، این کشور سیاستی متفاوت با اغلب کشورهای اسلامی در قبال اسرائیل اتخاذ نکرده است. لذا اگرچه جریان‌های تجاری و روابط مردمی بین اسرائیل و اندونزی از زمان امضای توافقنامه اسلو در سال ۱۹۹۳ به طور پیوسته بهبود یافته، اما از همان آغاز استقلال مانند سایر کشورهای با اکثریت مسلمان، بی‌میلی اندونزی با عدم روابط دیپلماتیک با اسرائیل به دلیل همبستگی با دیگر مستعمرات اروپایی سابق در جهان عرب و نیز نگرانی در مورد قدرت رأی اعراب در جنبش عدم‌تعهد بود. بنابراین تغییر در این زمینه در وهله‌ی اول به وضوح در نهایت به نتیجه روند صلح بستگی دارد، زیرا اندونزی مسلمان در روابط با اسرائیل قطعاً از جهان اسلام پیروی خواهد کرد (Barton and Rubenstein, 2005: 169). در مجموع آن که اگرچه اسرائیلی‌ها با هدف ایجاد فرصت به نفع خود و استفاده از مزایای رابطه با اندونزی و نیز ایجاد ارتباط با یهودیان این کشور، چندین دهه است که بر امکان باز شدن درهای دیپلماتیک با اندونزی تأکید کرده و طی این چند دهه بارها از سوی رسانه‌ها و مقامات اسرائیلی

۲-۲. تاثیر سمبل استعمارستیزی حکومت اندونزی در

بقای مساله فلسطین

اندیشمندان بسیاری امروزه با رد ساختارهای مادی به عنوان تنها عنصر سازنده‌ی اهداف و منافع دولت‌ها، ساختارهای فکری، هنجاری و معنایی را به اندازه ساختارهای مادی دارای اهمیت می‌دانند و حتی برخی معتقدند ساختارهای مادی در چارچوب این ساختارهای معنایی اهمیت می‌یابند. (Wendt, 1995: 73) برهمین اساس این گروه ضمن نفی ایده نظام بین‌الملل به عنوان آنارشی فاقد هنجار، این نظام را مجموعه‌ای از هنجارها تلقی می‌کند که از طریق رویه‌های تکراری قوام می‌یابند (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۲۰-۹۱۹). از طرف دیگر همه‌ی این ساختارهای معنایی را هویت دولت‌ها شکل می‌دهد. چرا که این مفهوم امکان فهم یک دولت از دیگران و نیز فهم از خودش، انگیزه‌ها، منافع، نقش و ایستارهایش را فراهم می‌کند (دادوی، ۱۳۹۱: ۳۳). به عبارتی متناسب با هویت، تعامل بازیگران تابع این تفسیر است که چه کسی خودی است و چه کسی دگر ماست و دولت‌ها براساس این تفسیر با کشوری متحد می‌شوند یا علیه دیگری اقدام می‌کنند. این ترجمان هویت نقشی به معنای رسالتی است که هر دولت در ارتباط با ملت خود و سایر ملت‌ها و دولت‌ها برای خود قائل است (قوم، ۱۳۹۳: ۳۴۲). بنابراین دولت‌ها از اقدامات خود به زبان هویت نقشی سخن می‌گویند (استیل، ۱۳۹۲: ۲۸). در این روند خویشتن با برگرفتن یک هویت خاص مبتنی بر نقش، دیگری را در نقش متقابل (Counter-Role) متناظری قالب‌بندی می‌کند که این باعث معنادار شدن هویت خویشتن می‌شود (ونت، ۱۳۸۴: ۴۸۰).

با این مقدمه باید گفت اندونزی مبتنی بر قانون اساسی، ایدئولوژی و رویکرد تاریخی و مهمتر از آن تاثیرگذاری هنجارها و قواعد داخلی که همان تفسیر تاثیرگذاری سطح داخل مد نظر رئالیست‌های نئوکلاسیک است، خود را هویتی استقلال طلب و دارای رسالت ضداستعماری معرفی کرده است. بنابراین دولتمردان این کشور حتی اگر بخواهند از این رسالت و هویت خود عدول کرده و مسأله فلسطین را چنان که تاکنون بوده ادامه ندهند با توجه به اصل تعریف دوست و دشمن از مجرای عناصر هویتی عملاً در اردوگاه دشمن قرار خواهند گرفت. در واقع مبارزه با استعمار مسأله‌ای حیثیتی برای اندونزی محسوب می‌شود و به نمادی اصلی برای آن تبدیل شده است. اندونزی کشوری است که روزی رهبرش مبتکر طرح جنبش عدم‌تعهد در دفاع از ملت‌هایی بود که نه به امرپالیست تعلق داشتند و نه از کمونیسم طرفداری می‌کردند (عباسیان، ۱۴۰۰: ۵). لذا خدشه وارد شدن به این نماد در صورت عدم توجه به مسأله فلسطین جایگاه آن را به ویژه در میان جهان اسلام با چالش جدی مواجه خواهد کرد. این بدان معناست که نیاز به بقای نماد و سمبل محرکی اتوماتیک خواهد بود که مانع از خروج مسأله فلسطین در سیاست خارجی اندونزی خواهد شد. در این میان پارلمان اندونزی با حمایت از فلسطین نقش موثری در بقای این نماد ایفاء کرده است. از جمله این حمایت‌ها می‌توان به این موارد

نامزدها برای جلب نظر رای‌دهندگان به این مسأله دامن می‌زدند (Al-Anshori, 2016: 162). دکتر فضل زون رئیس سابق مجلس اندونزی در یک سخنرانی جمله‌ی زیبایی ایراد می‌کند که علت حمایت جامعه‌ی داخلی اندونزی از مساله فلسطین را به بهترین شکل ممکن نشان می‌دهد. او می‌گوید: «ایستادن در کنار فلسطین، ایستادن در کنار بشریت است. بحث اعراب در مقابل یهودیان یا اسلام در مقابل یهودیت نیست، چرا که چنین دیدگاهی کاملاً اشتباه است. ما در مورد سرزمین‌های مردم فلسطین صحبت می‌کنیم که بیش از هفت دهه توسط اسرائیل اشغال شده‌اند و این درگیری بین دو طرف برابر نیست. بلکه این اشغال توسط یک دولت نظامی قدرتمند، مسلح و مورد حمایت غرب، علیه مردمی فقیر، بی‌دولت و آواره است (Zon, 2020: 2).»

برهمین نگاه در سال ۱۹۹۹، هنگامی دولت عبدالرحمن وحید، برنامه‌ریزی کرد تا پیوندهای اقتصادی و تجاری را با اسرائیل به عنوان بخشی از تعهد خود به تساهل بین ادیان باز کند و از این طریق آسیب جدی اندونزی از بحران مالی سال ۱۹۹۷ نیز بهبود یابد، همانطور که انتظار می‌رفت این طرح با مخالفت شدید داخلی مواجه و تظاهرات سازمان‌های مسلمان، دانشجویان و نمایندگان مجلس علیه آن بسیار گسترده بود. به این ترتیب از آن زمان به بعد جانشینان او هرگز علناً چنین اظهارنظرهای خطرناک سیاسی را مطرح نکردند. (Ryvantya, 2022).

به این ترتیب باید اذعان داشت که احساسات داخلی مبتنی بر انگاره‌ی مسلمان بودن در اندونزی به شدت از فلسطینی‌ها حمایت می‌کند. در همین ارتباط یک نظرسنجی که در ماه می ۲۰۲۱ توسط یکی از آژانس‌های نظرسنجی معروف در اندونزی انجام شد، نشان داد که اکثریت قاطع (۷۱ درصد) از پاسخ‌دهندگان اسرائیل را مسئول درگیری بین این رژیم و فلسطین می‌دانستند. (Ng, 2022) این نگاه انسانی به مساله فلسطین بر همه‌ی گروه‌ها و احزاب اندونزی غالب است. به عنوان مثال حزب اسلامی عدالت و رفاه به عنوان بزرگ‌ترین حزب اسلامی اندونزی که کرسی‌های بسیاری در مجلس نمایندگان دارد و برخی از اعضای آن مانند فهری حمزه (Fahri Hamzah) به مقام معاونت رئیس جمهوری نیز رسیده است همبستگی مسلمانان را زیربنای موضع سیاسی حزب خود در پاسخ به مساله فلسطین می‌داند. همچنین احمد زین‌الدین (Ahmad Zainuddin) از دیگر اعضای مهم این حزب خواهان این است که اندونزی به عنوان بزرگ‌ترین کشور مسلمان پیشگام آزادی فلسطین شود (Kusumaningrum and et al, 2018: 187). خلاصه آن که حضور و نفوذ گروه‌های اسلامی و به طور کلی مسلمانان اندونزی زمینه‌ی آن را به وجود آورده تا سیاستمداران این کشور حتی اگر بخواهند نتوانند مسأله فلسطین را نادیده بگیرند، چرا که این کار ضمن آن که هزینه‌ی بالایی برای این کشور دارد پایه‌ی اقتدار و مشروعیت داخلی آن را با چالش مواجه می‌کند. بنابراین باید گفت خروج موضوع فلسطین در سیاست خارجی اندونزی حداقل در آینده‌ی کوتاه گزینه‌ای سیاسی و عملی برای رهبران آن نخواهد بود. حاصل جمع این بحث را می‌توان چنین عنوان کرد که یگانه دلیل به رسمیت نشناختن اسرائیل به عنوان دولتی مستقل، ترس حاکمیت اندونزی از اعتراضات گروه‌های اسلام‌گرای داخلی این کشور است (عباسیان، ۱۴۰۰: ۵).

اسلام و دفاع از مظلوم دارد، نقطه‌ی عطفی در جهت‌دهی سیاست خارجی ایران بوده است که در طول پس از چهار دهه همچنان در رأس اولویت‌های جمهوری اسلامی قرار دارد. به واقع، رویکرد ایران در این ارتباط نه تنها یک موضع استراتژیک و ژئوپلیتیک، بلکه یک تعهد اخلاقی است. همین امر باعث شده تا حمایت از فلسطین یک اصل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باشد.

در سوی مقابل، اندونزی در جریان کنفرانس باندونگ ۱۹۵۵، حمایت از فلسطین را به عنوان یک اصل برآمده از مبارزات تاریخی خود علیه استعمار در مرکز سیاست خارجی مورد توجه قرار داد. از آن زمان، این کشور گرچه همانند ایران متعهد به حمایت از آرمان فلسطین بوده است؛ اما برخلاف موضع ایران، این تعهد جاکارتا تا از زمان سوکارنو تاکنون علاوه بر این که ناشی از تأثیرگذاری اسلام بوده، از وجهی دیگری نیز ناشی می‌شود. محاسبات واقع‌گرایانه، از مهمترین این وجوه مورد اشاره است که باعث شده تا برخلاف جمهوری اسلامی ایران، اندونزی ضمن برقراری روابط تجاری همچنان از تعامل رسمی و دیپلماتیک با اسرائیل خودداری کرده است. این رویکرد متفاوت بر شکل حمایت اندونزی نیز تأثیر گذاشته است که می‌توان از آن با عنوان «همدلی دیپلماتیک» یاد کرد.

به این ترتیب، ایران ضمن پایبندی به تعهد خلاق و ایدئولوژیک و انقلابی، حمایت از مسئله‌ی فلسطین را در سطح عملی‌تر و کمک‌های قابل توجهی شامل حمایت‌های مالی، منابع و راهنمایی استراتژیک، در قالب یک استراتژی عمل‌گرایانه دنبال می‌کند. اما اندونزی رویکردی فرهنگی‌تر مبتنی بر استراتژی «همدلی» فلسطینی‌ها اتخاذ کرده است. نکته اساسی با وجود تمایز دو کشور در روش‌ها و انگیزه‌ها، تعهد و پایبندی ثابت دو کشور در حمایت از آرمان فلسطین و باقیمانده این مسئله در اولویت‌های آنها، حاکی از آن است که این موضوع در هر دو کشور با ماهیت و ذات سیاست خارجی آنها گره خورده که به سادگی نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد.

با توجه به مطالب بیان شده، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که اسلام به‌عنوان یک عامل هویت‌ساز و جهت‌دهنده، نقشی کلیدی در شکل‌گیری موضع هر دو کشور ایران و اندونزی در قبال مسئله فلسطین ایفا کرده است. اما تفسیر و عمل به این عامل، تحت تأثیر بافت تاریخی، ایدئولوژی حاکم و ملاحظات ژئوپلیتیک متمایز دو کشور، به رویکردهایی متفاوت، اما در عین حال پایدار، منجر شده است. بر مبنای تحلیل تطبیقی انجام‌شده و با هدف ارائه راهکار برای سیاست‌گذاری و پژوهش‌های آتی، پیشنهادات زیر قابل طرح است:

۱. انجام مطالعاتی تطبیقی بین اندونزی و سایر کشورهای بزرگ مسلمان غیرعرب (مانند مالزی، پاکستان یا ترکیه) برای بررسی الگوهای مشابه یا متفاوت در تأثیرگذاری اسلام بر سیاست آنها در قبال فلسطین؛

۲. انجام پژوهش‌هایی با رویکرد آینده‌پژوهانه جهت بررسی سناریوهای محتمل برای تغییر یا تداوم سیاست اندونزی و جمهوری اسلامی ایران در قبال فلسطین؛

اشاره کرد: ۱. اتخاذ ابتکار عمل برای تصویب بیانیه مشترکی که به امضای بیش از ۲۰۰ نماینده مجلس از ۳۴ کشور رسید. این برنامه به مناسبت روز جهانی پارلمان در ۳۰ ژوئن ۲۰۲۰ راه اندازی شد و در آن به طور قاطع اقدامات اسرائیل محکوم شد؛ ۲. ایجاد منظم گروه‌های دوستی پارلمانی با پارلمان فلسطین؛ ۳. برجسته‌سازی آرمان فلسطین در مجامع پارلمانی منطقه‌ای و جهانی؛ ۴. در زمان ریاست پارلمان اندونزی بر اتحادیه پارلمانی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در سال ۲۰۱۲، رئیس پارلمان اندونزی تنها رئیسی بود که از نوار غزه بازدید کرد؛ ۵. پیشنهاد عضویت کمیته فلسطینی به عنوان یکی از کمیته‌های دائمی اتحادیه پارلمانی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در سال ۲۰۱۲ (Zon, 2020: 5).

از طرف دیگر خط سیر نماد استعمارستیزی در روابط دوجانبه اندونزی و فلسطین به لحاظ تاریخی نیز کاملاً مشهود است. به این معنا که دیپلماسی به رسمیت شناختن استقلال و رهایی اندونزی از استعمار ابتدا از مصر و فلسطین آغاز شد. هیأت نمایندگی اندونزیایی اعزامی به کشورهای خاورمیانه مورد استقبال و حمایت شیخ محمد امین الحسینی، مفتی فلسطینی قرار گرفت که بعدها به اندونزی در لابی با کشورهای عربی برای به رسمیت شناختن استقلال آن کمک بسیار کرد. به واقع او مبارزه دیپلماتیکی را برای جلب حمایت رهبران عرب از استقلال اندونزی به راه انداخت. در کنار او شخصیت دیگر فلسطینی، یعنی محمد علی طاهر نقش مهمی در حمایت از استقلال و آزادی اندونزی از استعمار داشت. علی طاهر یک تاجر ثروتمند بود که در سال ۱۹۴۴ دارای خود را برای کمک به اندونزی اهدا کرد (Yuliartini and Sawaki, 2022: 469). این امر باعث ایجاد پیوند اندونزی با فلسطینیان برای جامه‌ی عمل پوشاندن به رسالت خود در قبال چالش آنها شده است. می‌توان گفت که حمایت اندونزی از فلسطین و باقی ماندن مساله آن در سیاست خارجی این کشور ناشی از نگرش واقعی مبتنی بر استعمارستیزی آن و منعکس کننده‌ی رسالت نقشی و هویت ملی این کشور است که در صورت از دست دادن آن عناصر هویت‌ساز اندونزی نیز از دست خواهد رفت. این امر باعث گردیده تا مقامات اندونزی براساس میل و رضایت همچنان به موضوع فلسطین در سیاست‌های اعلامی خود پایبند باشند.

دلالت‌های رویکرد اندونزی برای سیاست خارجی ایران

رویکرد به مسئله‌ی فلسطین و اسرائیل و تأکید بر احقاق حقوق فلسطینی‌ها، یکی از وجوه مشترک تأثیر اسلام بر کنش دو کشور در سیاست خارجی آنها نسبت به این موضوع است. رویکرد هر دو کشور ایران و اندونزی در این مسئله، ناشی از تعامل میان عوامل تاریخی، ایدئولوژیک و هویتی است. با وجود این اشتراک کلی، بین آنها نیز تفاوت‌های قابل توجهی نیز وجود دارد. در این ارتباط، ایران پس از انقلاب اسلامی حمایت از فلسطین و تقابل با اسرائیل، را در چارچوب روایت گسترده‌ی ضدسلطه و ضدصهیونیستی قرار داده است. این روایت که ریشه در

در نظریه‌ی رئالیسم نئوکلاسیک است.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

منابع

استیل، برنت. (۱۳۹۲). امنیت هستی‌شناختی در روابط بین‌الملل. ترجمه سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، فرزاد رستمی و محمدعلی قاسمی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

حکیم‌پور، علی. (۱۴۰۱). ویژگی‌های اسلام میانه‌رو در اندونزی. پایگاه تخصصی جامعه و فرهنگ، قابل دسترس: <https://farhangemelal.icro.ir/news/13840> (بازیابی ۲۰ مرداد ۱۴۰۴).

حسینی جلی، سیدمیرصالح؛ ستوده آرنی، محمد و خادمی، سیدمحم. (۱۳۹۹). همپوشانی مولفه‌های هویت‌ساز بر هویت‌بخشی دینی کنشگران اجتماعی اندونزی. فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی، ۷(۴)، ۶۳-۹۴.

داودی، علی اصغر. (۱۳۹۱). امنیت از نگاه مکتب سازه‌انگاری. فصلنامه مطالعات سیاسی، ۴(۱۶)، ۵۰-۲۹.

شیخ‌الاسلامی، محمدحسن و عطا زاده، سجاد. (۱۴۰۲). امکان‌سنجی پیوستن اندونزی و مالزی به توافق‌نامه‌های ابراهیم و عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی. فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۱(۱۵)، ۱۰۴-۷۹.

عباسیان، ساناز. (۱۴۰۰). اندونزی، اسرائیل؛ گذشته، حال و چشم‌انداز پیش‌رو. موسسه آینده‌پژوهی جهان اسلام، گزارش ویژه، ۰(۶۹)، قابل دسترس: <https://iiwfs.com/wp-content/uploads/2021/08/DA%AF%D8%B2%D8%A7%D8%B1%D8%B4-%D9%88%DB%8C%DA%98%D9%87-69.pdf> (بازیابی ۲۰ مرداد ۱۴۰۴).

قوام، عبدالعلی. (۱۳۹۳). کاربرد نظریه‌های روابط بین‌الملل: سیاست بین‌الملل در عرصه تئوری و عمل. تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.

محمودی‌کیا، محمود. (۱۳۹۶). تهدید هنجاری و باز‌خیزش دین در روابط بین‌الملل؛ چپستی، چرایی و نحوه تعامل. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۷(۳)، ۱۵۴-۱۲۵.

ونت، الکساندر. (۱۳۸۴). نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل. ترجمه حمیرا مشیرزاده. تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

هادیان، ناصر. (۱۳۸۲). سازه‌انگاری: از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی. فصلنامه سیاست خارجی، ۱۷(۴)، ۹۵۰-۹۱۵.

Al-Anshori, M. Z. (2016). The role of Islam in Indonesia's Contemporary foreign policy. Thesis Doctor in Political Science and International Relations. New Zealand: Victoria University of Wellington.

Anwar, D. F. (2014). Indonesia's foreign relations: policy shaped by the ideal of dynamic equilibrium. East Asia Forum, Available at: <https://www.eastasiaforum.org/>

۳. با توجه به همسویی نسبی مواضع ایران و اندونزی در مسئله فلسطین، پیشنهاد می‌شود دیپلماسی عمومی ایران با بهره‌گیری از این زمینه مشترک، به طور فعال‌تر و نظام‌مندتر با نهادهای مدنی و مذهبی اندونزی (و نه فقط نهادهای دولتی) تعامل کند تا این همسویی در افکار عمومی و سیاست‌گذاری اندونزی نهادینه شود؛

۴. طراحی یک الگوی سه‌جانبه همکاری میان اندونزی، ایران و نمایندگان فلسطین برای ایجاد هماهنگی در زمان وقوع بحران‌ها و تقسیم کار بهتر میان اعضاء در چنین مواقعی.

نتیجه‌گیری

اندونزی به عنوان بزرگ‌ترین کشور مسلمان با اسلامی متفاوت از آن چیزی که در خاورمیانه است نقش بی‌بدیلی در مسائل مربوط به جهان اسلام داشته است. به عبارتی نقش و نفوذ اسلام و آموزه‌های اسلام بر سیاست خارجی اندونزی علی‌رغم آن که ساختار حکومتی و رسمی این کشور اسلامی نیست بیشتر از آن چیزی بوده که تصور می‌شود. این موضوع به ویژه در مسائل خاورمیانه با محوریت مسئله فلسطین بسیار ملموس‌تر می‌باشد. به واقع موضوع فلسطین و حمایت اندونزی از استقلال این کشور طی تاریخ دارای ثبات بوده و در فرصت‌های مختلف مقامات این کشور همواره حمایت خود از فلسطینیان را به صریح‌ترین شکل ممکن ابراز داشته‌اند. علت این امر از یک سو تاثیرگذاری گروه‌های اسلامی بر سیاست خارجی این کشور و احساسات عمومی مردم مسلمان اندونزی بوده است. لذا نیاز به اقتدار و حمایت داخلی عامل مهمی در حفظ مسئله فلسطین در سیاست خارجی این کشور بوده است. به عبارتی این عامل بر پایه‌ی هنجارهای داخلی باعث شده تا دولت‌مردان اندونزی مبتنی بر تبعیت با اکراه و ترس همچنان مسئله فلسطین را در مدار سیاست خارجی خود باقی بگذارند. از سوی دیگر استعمارستیزی به عنوان عنصر داخلی هویت‌ساز و ایدئولوژی اندونزی که مبنای دیگر تاثیرگذاری عناصر داخلی است باعث شده همچنان برای حفظ حیثیت این کشور به ویژه در جهان اسلام عدم ارتباط دیپلماتیک با اسرائیل و حمایت از فلسطین را در چارچوب‌های رسمی سیاست خارجی خود حفظ کند و این به معنای تبعیت با رضایت در باقی ماندن موضوع فلسطین است. به طور خلاصه می‌توان گفت با توجه به هزینه‌ی سیاسی بالایی که خروج مسئله فلسطین و ایجاد ارتباط با اسرائیل در سطح داخلی و اعتباری برای اندونزی دارد سرباز زدن از این رسالت و رویکرد تاریخی گزینه‌ای خطرناک برای این کشور خواهد بود و لذا بعید است از سوی اندونزی حالا هر دولتی با هر گرایش که در آن سرکار باشد این امر مورد توجه قرار گیرد. در کلام درست‌تر منطبق بر رویکرد تئوریک پژوهش می‌توان گفت اندونزی برای از بین بردن شکاف سطوح داخلی، بین‌المللی و شناختی درباره‌ی مساله فلسطین ضمن ایجاد روابط اقتصادی و تجاری با اسرائیل از ایجاد روابط دیپلماتیک و رسمی با آن خودداری کرده تا بدین گونه هم فشارهای سطح بین‌المللی را پاسخ داده باشد و نیز به طور هم‌زمان انتظارات داخلی مردم و گروه‌های دی‌نفوذ اجتماعی و شناختی رهبران برآورده گردد. ماحصل این رویکرد اندونزی همان تفسیر مسائل نظام بین‌الملل براساس ترجیحات خود

- mat, Available at: <https://thediplomat.com/2022/01/indonesia-israel-relations-is-a-breakthrough-imminent/> (Access 11 August 2025).
- Ozkan, M. (2021). How Religion Shapes Foreign Policy? An Explanatory Model for Non-Western States. *Religions*, 12 (8), 1-13.
- Petito, F. and Hatzopoulos, P. (2033). *Religion in International Relations: The Return from Exile (Culture and Religion in International Relations)*. London: Palgrave Macmillan.
- Rafikasari, A. (2020). Redefining Indonesia's Foreign Policy Free & Active: Challenges & Opportunities of Indonesia's-China's Alliance in the Development of Space Technology. *Advances in Social Science, Education and Humanities Research*, (510), 656-661.
- Rathbun, B. (2008). A Rose by Any Other Name: Neoclassical Realism as the Logical and Necessary Extension of Structural Realism. *Security Studies*, 0(17), 294-321.
- Ripsman, N. M., Taliaferro, J. W. and Lobell, S. E. (2016). *Neoclassical Realist Theory of International Politics*. New York: Oxford University Press.
- Rose, G. (1998). Review: Neoclassical Realism and Theories of Foreign Policy. *World Politics*, 51(1), 144-172.
- Ryvantya, K. (2022). The Dilemma of Opening Indonesia-Israel Diplomatic Relations. *Modern Diplomacy*, <https://moderndiplomacy.eu/2022/10/26/the-dilemma-of-opening-indonesia-israel-diplomatic-relations/>, (Access 11 August 2025).
- Sandal, N. A. and James, P. (2010). Religion and International Relations theory: Towards a mutual understanding. *European Journal of International Relations*, 17(1), 3-25.
- Sites. (2022). The Republic of Indonesia, Available at: <https://sites.google.com/a/richland2.org/indonesia-fantone-dyer1/Culture>, (Access 11 August 2025).
- Sukma, R. (2003). *Islam in Indonesian Foreign Policy*. London: Routledge Curzon.
- Tri Andika, M. (2016). An Analysis of Indonesia Foreign Policy Under Jokowi's Pro-People Diplomacy. *Indonesian Perspective*, 1(2), 1-13.
- Warner, C. M. and Walker, S. G. (2011). Thinking about the Role of Religion in Foreign Policy: A Framework for Analysis. *Foreign Policy Analysis*, (7), 113-135.
- Worldometers. (2025). Indonesia Population (LIVE). *Worldometers.info*, <https://www.worldometers.info/world-population/indonesia-population/>, (Access 11 August 2025).
- Yuliantini, N. and Sawaki, A. N. (2022). Support of Indonesian diplomats on Palestine. *Jurnal Pendidikan Kewarganegaraan Undiksha*, 10(1), 467-481.
- Zon, F. (2020). Why Indonesia Can't Normalize Relations with Israel? The League of Parliamentarians for Al Quds (LP4Q), Available at: <http://repositori.dpr.go.id/464/1/BKSAP-league%20Al%20Quds.pdf>, (Access 11 August 2025).
- Wendt, A. (1995). Constructing International Politics. *International Security*, 20(1), 71-81.
- www.eastasiaforum.org/2014/02/04/indonesias-foreign-relations-policy-shaped-by-the-ideal-of-dynamic-equilibrium/#more-40093, (Access 11 August 2025).
- Anwar, D. F. (2010). foreign Policy, Islam and Democracy in Indonesia. *Journal of Indonesian Social Sciences and Humanities*, 0(3), 37-54.
- Djuyandi, Y., Husin, L. H., and Tjoediningrat, R. (2021). Indonesian role in Palestine-Israel security matters. *Journal of Legal, Ethical and Regulatory Issues*, 24(6), 1-8.
- Bachtiar, H.; Razak, M. and Zakaria, S. (2021). Indonesian progressive Muslims and the discourse of the Israeli-Palestinian peace: Soekarno's, Abdurrahman Wahid's and Ahmad Syafii Maarif's thoughts. *Journal of Social Studies*, 1(17), 1-20.
- Barton, G. and Rubenstein, C. (2005). Indonesia and Israel: a relationship in waiting. *Jewish Political Studies Review*, 17 (1/2), 157-170.
- Ayun, S. Q. and et al (2024). Indonesia's diplomatic actions in the Israel-Palestine conflict. *Jurnal Pertahanan*, 10(2), 329-341.
- Dehghani Firoozabadi, S. J. and Zare Ashkezari, M. (2016). Neo-classical Realism in International Relations. *Asian Social Scienc*, 12(6), 95-99.
- Foulon, M. (2015). Neoclassical Realism: Challengers and Bridging Identities. *International Studies Review*, 17(4), 635-661.
- Fox, J. and Sandler, SH. (2004). *Bringing Religion into International Relations*. London: Palgrave Macmillan.
- International Business Publications. (2012). *Indonesia, country study guide volume 1: Strategic information and developments/ International Business Publications*. Washington DC: International Business Publications.
- Kitchen, N. (2010). Systemic pressures and domestic ideas: a Neoclassical Realist model of Grand Strategy formation. *Review of International Studies*, 36(1), 117-143.
- Kusumaningrum, D. and et al (2018). Indonesia's Islamic Party & Humanitarian Issue: PKS Response to Palestine. In *Proceeding the 4th International Student Conference on Humanity issues 2018*, Universitas Muhammadiyah Yogyakarta, 178-194.
- Lobell, S.; Ripsman, N. M. and Taliaferro, J. W. (2009). *Neoclassical Realism, the State, and Foreign Policy*. UK: Cambridge University Press.
- Marie Murphy, A. (2020). islam in Indonesian Foreign Policy: The Limits of Muslim Solidarity for the Rohingya and Uighurs. *Asian Institute for Policy Studies*, 1-15. <https://www.jstor.org/stable/resrep2763>
- Mintz, A. and Derouen, K. (2010). *Understanding Foreign Policy Decision Making*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Songbatumis, A. M. (2021). The Role of Islam in Indonesian Foreign Policy: A Case of Susilo Bambang Yudhoyono. *Polish Political Science Yearbook*, 50(issue number), 1-23.
- Ng, J. (2022). Indonesia-Israel Relations: Is a Breakthrough Imminent? *The Diplo-*